



نشریه اینترنتی لور

[Http://Loor.Ir](http://Loor.Ir)

کتابخانه الکترونیکی سال ۱۳۸۶

واژه نامه لور

فارسی - لری

(شامل حروف آ، ا، ب، پ، ت)

ستاره نیکوبخت

سرتال

نوم خدا که شه‌جونه و دلنرمه

آنچه در این مجموعه تقدیم شده است فقط آغازی از یک پروژه مستمر خواهد بود، از این به بعد کتابخانه الکترونیکی لور هر سال منتشر می شود، بخش قابل توجهی از این مجموعه متعلق به فرهنگ لغت بزرگ لور است که هر سال ویرایش و بازنشر می گردد. مطمئنا در چند سال اول این ویرایش و گسترش بیشتر متوجه کمیت کار خواهد بود اما به مرور کیفیت کار هم گسترش خواهد یافت.

این واژه نامه از سالهای آینده امکانات نرم افزاری هم خواهد داشت، به گونه ای که بتوان با چند کلیک به معادلهای لری یک واژه فارسی و برعکس دست یافت. همچنین امیدواریم بتوانیم یک وب سایت مخصوص واژه نامه نیز راه اندازی کنیم تا در محیط اینترنت نیز امکان استفاده آنلاین از واژه نامه وجود داشته باشد.

وجود چنین فرهنگ لغتی نیاز و حق مسلم زبان لری است، درحقیقت آنچه لری نیاز دارد فراتر از اینها یک فرهنگستان زبان است اما آنچه از دست گروه خودانگیخته و خودجوش لور می آید در همین حد است.

ترخینه پخت کردم پرش ده پینه

حکایت لری سخن گفتن شبکه های تلویزیون محلی مناطق لرنشین به آن بیت از دیوان ارجمند میرنوروز می ماند که نیکو سروده است: ترخینه پخت کردم پرش ده پینه / مر ملیوون قابلئ دوش بونیه یعنی آشی پخته ام پر از گیاه خودرو و کم ارزش پونه، فقط یک شناگر ماهر می تواند در درون آشم دانه های ارزشمند و مقوی و مغذی بیابد!

آری گاهی که شبکه افلاک لرستان را تماشا می کنیم و می بینیم قرار است در یک برنامه مقلداری به لری سخن بگویند باید دقیقه های متمادی منتظر بمانیم بلکه یک کلمه یا جمله واقعا لری بشنویم، معمولا تمام عناصر گفتار همان جمله های تکراری و کلیشه ای فارسی شبکه های دیگر است که در شبکه

محلّی ما تنها و تنها در فعل انتهای جمله تغییراتی صورت گرفته است، گاهی همین تغییرات به حدی زننده و ناجور است که هر مخاطبی آرزو می کند ای کاش هرگز لری سخنی نگویند!

امروز بارون با طراوت بهاری وه شهر خرم آباد چهره دیگری بَخَشَنَه (این جمله را شخصا اوایل نوروز امسال از رادیو خرم اباد شنیده ام)

علاوه بر اینکه صفت «با طراوت» لری نیست و نام بومی شهر «خرم آباد» هم این نیست، «دیگری و حتی دیری» هم فارسی است، من بیشتر غصه این فعل من درآوردی بَخَشَنَه را می خورم و اینکه این جمله تقلید و ترجمه بی هنرانه مجری رادیوی خرم آباد است از جمله های شبکه های فارسی: باران با طراوت بهاری چهره دیگری به شهر تهران بخشیده است.

به نظرم نویسنده برنامه رادیو خرم آباد حداقل می توانست با واژه های روزمره لری چنین جمله

ای بسازد:

ایمرو نمول بارو بهار، رنگی آورده وه ری خرماؤه

نخستین و کمترین فایده فرهنگ لغت لور می توانید همین باشد که اگر تهیه کننده یک برنامه خواست کلامی به لری ایراد کند منبعی برای یافتن معادلهای متعدد و مناسب برای واژگان و ساختارها داشته باشد.

همچنین این فرهنگ گنجینه ای ارزشمند در اختیار فعالان ادبیات و موسیقی لری خواهد بود، در حقیقت اگر بناست موسیقی و ادبیات لر (که هیچکدام از دیگری جدا نیست) بقا یابد و فراتر از ان گسترش بیابد گریزی جز وجود چنین منابعی نداریم.

پر واضح است فراهم آوردن چنین منبعی نیاز به سالها کوشش و تلاش تیمی دارد که برخلاف

همه رکود و جمودهای حاکم بر دوستان زبان لری بتواند جنبشی بزرگ از خویش به منصفه ظهور برساند!

دسکم بگر بنارم سخته

مجموعه حاضر پنج حرف نخست (حروف آ، ا، ب، پ، ت) از واژه نامه فارسی - لری، چنان کاستی و نقص دارد که نیاز چندانی به عذرخواهی و پوزش طلبی احساس نمی‌کنم، این مجموعه حاصل تلاش یک نفر - با مشورت همکاران - در طول دو ماه است که امکان و فرصت بسیار ناچیزی می‌باشد، بسیاری از گویشها - مخصوصا زبان لکی - اصلا مورد توجه قرار نگرفته‌اند، در نمونه یابی از بسیاری از منابع و آثار ارزشمند بهره نگرفته‌ام، لازم بود نام هر منبع در کنار هر نمونه ذکر شود که فعلا بنا به ملاحظاتی این کار انجام نشده است، بسیاری از مثالها ناقص و یا نابجا است، واژگان پرشماری از قلم افتاده‌اند، در ترتیب الفبایی واژگان اشتباهاتی هست و. که حداقل در این فرصت اندک مجال جبران آن نبود..

«دسکم بگر بنارم سخته / سره بناری هماری تخته» دستانم را دریاب که دربرابرم کوهی است سخت گذر، بر فراز این کوه دشتی هموار و خرم در انتظار ما خواهد بود!

امیدوارم با مشارکت فعال و همکاری صمیمانه همه علاقه مندان این مجموعه سال به سال چنان رونق گیرد که روزی بتواند تبدیل به منبع عظیمی از فرهنگ پربار مردم لر تبدیل شود!

ستاره نیکوبخت

تیرماه ۱۳۸۶



ارم - بی کش: مردم! بی کش تا هنا وه هنا
برسه - ساز گرهن: مه کارونی که یه جا
نی گرم ساز - انوس: ای دوسی دو سه
شوه سیت خاؤ بیدارم / بهلی ده سائی
مرژنگیات انوس بیارم | ارام گرفتن: پور
نهاین

آرامگاه

قورسو: ای دوسی ار مه مردم سیم نگرئوی
/ سخونپام ده قورسو سیت می کنه دی |
مزارسو | مزار:

آرایش

ارایشت - تیمار: مه بی ته ار ندیدم هیچ
بهاری / کنم تیمار گل زردی به رخسار -
سکه ساؤ: دارن عروسن سکه ساؤ کنن -
غنچ: یه زن غنچ کرده ای اوما

آرزو

آرمون: زه زیر برد گپ آرمونم / گل سهر
جوونی سردراره- تمارزو: سر برج اوما حاله
خراوه / دلهم تمارزو سیخی کواوه

آروغ

ور ووق - وربوق: وربوق کردن سر سفره
خوئت ناره

آرنج

مرک: پیشخه نها وه مرکم / وه کار مردم
زرکم - باهی

آزار

ایژ - رنج: ای همه ناله دلهم که ده
خوشیمه / رنج دیری کشته ده بی
کسیمه | آزار دادن: وه ایز اوردن | آزار
دیدن: وه ایز اوماين- رنجسن

آشامیدن

غر کردن: یه لیوان دو غر کرد | حردن: یه
لیوان دو حرد

حرف آ

آب

اؤ: مه چنو تشنه تنم نه تشنه اؤ / تشنه
بی مه نشکنه صد جوم برفاؤ | آبتنی:
میلوونی | آب شدن: تاونیدین: وه چپ چپ
سیلم نکو تاونیمه چی برف / بخن و شادم
بکو وا یه کلوم حرف | ابدارخانه: چاؤی ریز
حونه | آبکشی: پالنیدین

آبکی: اؤ هلنگاو | آبی: کیو - اؤی

آباد

آبادی: غم اوما حونه دلهم کرده اجاره / وه
هر جا ری می کنه آبادی ناره - آؤدونی -
| آبادی: دهات

آبشار

اؤریژ: منم هیجار اؤریژشت شوشتر / ز زهم
مندگاری پر خروشم - تاف - توف

آبگوشت

اؤ گرمه | اؤگوشتاؤ: سی مهمونیا
اؤگوشتاؤ درس کرده

آتش

آگر - تش: ای دلی ار حاکمی وارس وه
دردم / کوه بلغار تش گرهن ده اه سردم

آدرس

نشونی - تیرنشو: کنم سیت وارگه دل سوزه
واری / نشونی تیر نشونی وارگه پاری

آرام

❖ آشپز

کینو یا کی ونو: گلیه ها وه دو و گلیه پا وه
دونه / کینو بیمار و چوپو سرگرونه

❖ آشپزخانه

مطبق | نوکن

❖ آشغال

رمال

❖ آشفتهگی

شیوسه یی- تیج ویچ بیدین | آشفته:
شیوسه | آشفته شدن: شیوسن وه .. :
شیوس وشو ناؤستن وه کوم رون | آشفته
کردن : شیوهینن : پر و پیش لیونهمک ده
یک شیوهینی - شیونیدین

❖ آشکار

دیار: برف وه ری برف باریده ره نادیاره /
روزگار سرد و سره ناسازگاره - آشکار
شدن: افتادن وه طاق، اومایدن وا دئاری

❖ آشوب

رمگلو - خراؤ کاری - اشو

❖ آشیان

لیونه: بویمه وه باغبون که باؤت /
بنهامی لیونه کؤگی ده پیچ ساؤت- کله:
لیرسو کلهسونت کله شیر و پلنگه - جا -
دو: مرغ و جیجو اومان وه دو لیئز : باغوو
مرغ دلم نها وه درختت / کش نکه تا لیئز
بیره ته گوش بختت

❖ آغاز

نهما نهاکار | بنا : خوئی ناسازگاری هی به
بناته / بدئ سائه شلالی هی وه باته

❖ آغشتن

پلکنیدین | آغشه شدن: پلکسن

❖ آغل

پرچه

❖ آفتاب

افتاؤ: زلف یارم مین ریس وست زه خاؤ ور
پرست / داد و بیداد وراستاد که افتاؤ
پرست

❖ آگاه

دونا: یا دونا با یا پرسا | هوشیار | بللی

❖ آماج

قماچ | هماچ: حکیمونی جم بویت دردم
گرونه / چی قماچکه عروسی نهانمه
نشونه

❖ آمیختن

قاطی کردن: - شیو داین

❖ آنگاه

اوسه : اوسه که ریشه ئانه انجنیدیم /
دلانه سر شاخه خشکنیدیم

❖ آوارگی

الواتی- وئیلون - لیئز کنه بیدین - ولات ور
بیئین | آواره: لیز کنه - ولات ور

❖ آهنگ

رنگ - دنگ : دلم می حا بمیرم ده هجر
یاری / بشنؤم بالا سرم دنگ براری

❖ آیین

رسیم - لیور: خدا بوونت وه لیور خیری -
دین : خوم وه صدقه چترئاکه نازنینت / ار
بویی وه ارمنی میام وه دینت

❖ آسیابان

لیوینه: لیوینه پیرم / برد ری کار و مه برد
زیرم - اسئو دار

❖ آشتی

وه یک ونن - صل کردن : مه دنگ و فنگ
دنیانه ندونم / مه صل و جنگ دنیانه
ندونم - دوس بیئین : ته هائی وه فکر دوسی
و دشمه وه کمینه



■ آنان

هونو- اونو- ونو : اونو آستارشون به آسمونه
/ مه آستارم مئنه مال خومونه

■ آنجا

اوچه: عروس مگرئو عروس مگرئو اوچه
دیچه بهتره

■ آنچنان

چنو: یا چنو سیلم نکو تیبت بوینم/ یا چنو
بی مہری کوریت نوینم - چئنو - چنی

■ آوازه

اسم و رسم - نوم - مہشوری: ته نال داغ
ده دلی تا مه بنالم/ ناله مه مہشوریه ده
کلی عالم | آوازه داشتن: نوم در آوردن

■ آویزان

دونگلیز- دنگلاؤز - دَر - وه دار: آویزاندن:
دونگلوئز کردن | وه دار ونن | در کردن

■ آهسته

یواش - بی کشکی | آهسته رفتن: ترکسن
: واتنم وام بترک تا بگریوسیم سحر/ پیش
که تیغش افتاؤ بکنه مال خور(ممیرا)



همه پاهاته بخیسه - چسبوندن : چسبست
به یک چی سر پاکت بزنی لاک / دستا به
سر دست نشست بید به سر خاک

ادب

ادؤ - تروئیت

ارزش

قرب: چی لیو تزگاه قِرپ ناره

ازدواج

شی: کاغذی ره بکنیت وه دخترنوم/ بهد خوم
شی نکنن وه دشمنونم - زن سیدن - قومی
کردن: ایما گپیئم قومی خو ایکنیئم زه ای
طافه زه او طافه دودر خو ای وریئم

اعتراف

ونن وه در - مگر اوماین: هرچی بازخاش
کردن مگر نیوما - وه حرف اوماین

اتفاق

داؤ - داؤرو - پیئش اومد

استعداد

دسلات - تونایی | با استعداد: قابل: ترخینه
پخت کردم پرش ده پینه / مر ملیوون قابلی
دون دش بوینه

استفراغ

دل شیوه - دل وه یک حردن - وراؤردن -
برگردو کردن

اسیر

بنی: چی کموتر تلی بیدی بیده وه لیئزم/ چی
بنی فرصت جورم که بگریئزم

اشک

اسر: راه دیر ملک غریو بی وه مکونم/ چش
یکئ اسر هزار بی همزونم - حرس: ای مه
بدرؤ که خوت بوینی/ چی حرس تیئا ته
صاف و پاکم

اکنون

حرف (ا)

ابرو

برم : چش کال و برم کال وه سر کال /
ماملش وا مه نوی بردش ورو مال - برگ

ابزار

اسباؤ - چی - وسیله

ابقاء

هشتن - وه جا هشتن

ابلاغ

رسوندن - رسنن - گتن: سفر یه رو دو رو
کشی وه سالی / رؤیت بؤیت وه دوسکم نکه
خیالی

ابله

سا عقل | لیوه: دل ساوائ مه چی اؤر لیوه /
مدام هی غرونه و گریوه

ابوالبشر

باوه آیم

اتحاد

یکاگیر - یک گرهنن: ایما لرو ار یکاگیر کنیئم
/ چرخ فلکن سروازیر کنیئم // ایر چه دستم از
دستت به دیره / زت ای خاستم دلامون یک
بگیره

اتهام

بئمئ

اتصال

دیسسن - دیسئین : جوهرت به تنت مته
برهزه هی ای دیسه / ترسم که عرق پای



تقاص: برارونم خیلین سیصد هزارن / سی
تقاص خین مه سرور می ارن

اندازه

اقد: ای جومه اقد گرت نی - پرکپ - انازه -
چن: مه ده چله بیم غم پرسی اولم / چن
جوی شادی نگشته ده خیالم

انصراف

گلی حردن | پشت ره بیدن

انگشت

کلیک: دختری ده مال جاری اشه بانو
نومشه / کلیکاش چی قاؤ چینی مرواری
دنونشه

ایسه: ایسه ذوقم سست و شوقم ها نشسه /
زه برسه تیرم از صد جا شکسه - همسه -
هیسه

اجتماع

کلی - اشتما - مجلس - شؤرا | اجتماع
کردن: کنسهن:

بوقت مردنت چی مور ای کهنن / ایر تیفون
بیاری گور ای مهنن

اجاره

کرا | اجاره نشین: کرانشی

اجازه

صلا

اجبار

الین - زورکی - زورئ - وه زور - عجیلن

احدیت

یکی بییدن - یگونه یی - یگونه یی
یکونه چی ملک دم وفا مه ناره / مه چنو دعا
کنم بارو وباره

احداث

ره وندن - ساختن

انس گرفتن

گلی گرهنن - گلی گرهدن: کموتر گلی
گرهت وا گله بازی / ندیدم هیچ لیری سی لیر
بمیره

امتحان

سرنجه - ازماشت | امتحان کردن: سرنجه
گرهنن

انتظار

بنیر - مندیر: مندیر تونم ز غم چه باکم /
عشق تونه که ایا به داکم - تیئه وره: به هر
افتاؤ زنون تیئه ره بمندم / هر چی ره زیر بار
انتظاری

انتقام



سرسره - سر صب - صه زئ: یکی بی ده
خاو صو کردم خوردارا/ خاو صه عزیزه
دس ده گردن یار

❖ باور

اتقات - گمو - ایمو

❖ بزرگ

گپ: هر کجا برد گپی جا که یرونه/ هر
کجا لیر بجه شیرین زوونه - گهپ - قهپی
- قوین | بزرگترین: گفتیرین - گفتیری

❖ بلعیدن

قئیرت داین - قئیت داین

❖ بد ترکیب

بلاجوئین - بلوچین - لیش

❖ بدبختی

نهات: وختی نهاتت بیا دنونت ده روغن
می شکیه

❖ بستن

کپ کردن - در وه یک اوردن

❖ براق

برچ: تماشا داره چارشو نر شونش / چی
طلا برچ می زنه ليو و دنونش - برچ خُر -
بریق بق

❖ بو

بو | بوی خوش: هویرات | بوی بد:
بوگن - بو کمکی

❖ برعکس

چوارشه - وره دما

❖ بحث

دم تقه - چکچنه - گته گت - چنه زین
- گپ - گپ زین

❖ بخشش

شهجونی - بخشئیدن - گذشت کردن -
بخشش کردن | بخشنده: شهجو - وا

حرف (ب)

❖ بابونه

باؤئنه

❖ باجناق

هم ریش

❖ باد و بوران

بادتوز - باد لیلیه

❖ باران

بارو - وشن: بی دوسی بی نوایی سر مغارو
/ غم دنیا ترم کرد چی باد و بارو | باران
آرام و اندک: نم نول | باران تند و بسیار:
رفت | باران همراه با باد: وشت

❖ بازنشسته

بازنشس - حونه نشئ - ده کار افتایه - ده
کار وسته

❖ بازو

بال | باهی: کلو ایخوم دلینه دین عشق /
روه باهی به باهی افتاؤ عشق

❖ باغبان

باغوو: باغوو مرغ دلم نئا وه درخت / کش
نکو تا لیئز بیئه تو کوش و بختت - بوسو
چی

❖ بامداد



گذشت	دیار ونن - وه طاق ونن - رسبا کردن - گال کفتن
❑ بد	❑ بچگانه
گن: هر کسی داره زن گن بی حیائی/ درمونش مه دونم و هر کمتو پیائی	بچونه - بچله بچه: بیج - بچوله - بچیله - جقله - کوهک
❑ بدبین	❑ برهنه
وه خوگمو - شک داشتن - خود گمو	لیخت - بی چی - نپوشسه - ریت - وه طاق بیدین: ایمره زه وه قدم زم بی دماغ بی / بن یغش بریده و سینش وه طاق بی برهنگی: لیخترو بیدین
❑ بدریخت	❑ بستان
بدگلی - بدبارت	بوسو: بوسوکاری: غم اوما بی مهمونم بار ون وه لیوئام / بوسونی اویاری کرد گریوه شویام بستان کار: بوسو چی
❑ بدهکار	❑ بسیارگو
قرت دباره	چنه دراز
❑ بذر	❑ بسیج
تخم - دون: ایر دست صیادی پر زه دون بید / به صید بی خبر ظلمی گرون بید - تهم بذر افشان: تخم پاشیدن - دون پاشیدن	هیاری - همیاری - گلی بسیج کردن: گلی کردن
❑ برادر	❑ بشقاب
گیه - گیو - گگه - کاکه - کاکا - برار: برار روز تنگ، شمشیر روز جنگ برادرانه: برارونه برادرزاده: برارزا - کرگیه	دوری - بشقاؤ
❑ برجسته	❑ بطالت
بمبلوزی - بوقلوسی - دیاری - پک - ور تیه گیر	الکی - ولی بییدین
❑ براف	❑ بعید
برفاؤ: مه چنی تشنه تونم نه تشنه او/ تشنیمه نشکنه صد جوم برفاؤ	دیر بعید است: گمونکه - دیره
❑ برگزیده	❑ بغل
پسن بییده - گلیه ورچه برگزیدن: گلیه ورچه کردن - شه بییدن - پس کردن	کلی: یه رو به کل دست همیلا مه نشتم / انگشت حنایس اورد زه کد دستم
❑ برگشتن	❑ بقالی
ورگشتن - وه دما اومادین - گلی حردن	چرچی: خر چرچی فروششو وه یه ره نرته
❑ برگه	❑ بقعه
بلگه - ورقه	گمه - گمه بارگه
❑ برملا کردن	



داشت کشتش وه نیرنگ / تش نهاد یکی
یکی گهپون چالنگ

❖ بیابان

بیاوؤ: چی پلنگ پیر گسنه ده بیاوو / شو
و روز نلحق زنه چی طفل نایو

❖ بی اختیار

نؤهلْمونِه - خوماخوم - ناوکم

❖ بی ادب

بی ادؤ

❖ بی ازار

بی ستلق - بی ازار

❖ بی ایمان

کافر - بی ایمو

❖ بیباک

بی تاشا- دلدار - مترس

❖ بی تعارف

بی مکیس - بی تارف

❖ بیچاره

ندار - نومرا - دس تنگ

❖ بیدار

بیذار: بهل ده سای مرژنگئیات انوس بیارم/

ای دوسی دوسه شوه سیت خاؤ بیذارم-

نهفتسه - نخاؤسیده

❖ بیرون

در - هماری - صهرا

❖ بی سواد

ذهن کور - بی سوات

❖ بیشتر

فره - غلوه - خیلئی - مهلمئی

❖ بی عاطفه

سرد - دل سئی - دلبرد

❖ بیعانه

بیونه - پیئل به: پیل به ده وه دکودار تا

❖ باقی مانده

پس منه

❖ بلا تردید

حتمنی - حدمن

❖ بلا فاصله

ازاکه - تاگتی من و ته - وه یه گلی

❖ بلا مقدمه

نپرسیئه - بی سرتال

❖ بلا تشبیه

بلا نسمت - بلاتش - نوم گل یارم - دیر

ده شما

❖ بلکه

بلکم: شو وه پاس و ورز وه پاس بلکم

بیایی / دی نارم طاقت ای روز جدایی

❖ بلند

بلین - بلنگ | بلند قد: شلال - دراز - برز:

مردمونی هلی خو ده رکرکونه ساؤشو برز

و بلن کولا رمونه | سر بلند: سردئار: تو

جور خاک پاک بختیاری / سرافراز و بلند

و سردیاری | بلند اقبال: بخت بلین -

بختیار - خدادار

❖ بلوط

بلی: همچو دار بلی سخت و مهکم /

ریشه لیر گره حرده به هم - بلیت

❖ بند

بن - چله - رسمو - طناف

❖ بوم

محلی | بومی: محلی - ایچنی - خومونی -

لیری

❖ بهتر

بهتر - خوتر | بهترین: بهترین - خوترین

❖ بهانه

سنگه - ترنه - بونه: زه هر کس که بونه



دماتر بیئا بؤرش

❖ بی فایده

بی بهر - بی ثمر

❖ بی فرهنگ

بی ادؤ - بی فرنگ

❖ بیکار

الوات - بطار-

❖ بیگانه

بغیره : به زیر چتر غیره نیگرم ساز / به

تشمال و به ساز خوم ابازم - بی گونه:

اؤی می ره وه روخونه خیشی بؤرش نه

بی گونه - دگر

❖ بی گناه

بی گنه

❖ بی لیاقت

پیس - گن : کر گن چه ده یامردو چه

ده مزارسو

❖ بیهوش

ده هوش رهته - بی حال - شکرات



❖ پادشاه

پاتشا - شا

❖ پاره

دِرسه: دل سوخته بسیار و کس چی
 مه نسوخته / دِرسه پرده دلم نبوه
 دوخته | - تیشنده - تیشنیده -
 شرنیدین : عتبه و شیبه و او هنظه مر
 یاد تو ره د / اشکماسونه مه شرنیدیم زه
 یک چی چلوار

❖ پارچه

پرو

❖ پارسا

دس پاک - دین دار

❖ پافشاری

پا کوفته - حتمنی - سفت و سور منه

❖ پاک

تمیس - پاک : مه که از پاکي دلم
 چی اسمونه / ندونم سی چی چئو وام
 سرگرونه

❖ پاکدامن

دس و دل پاک - بی گنه - بی تصقیر

❖ پاک نژاد

لیون خو - لیون پاک

❖ پالایش

الاپالا - پالنیدین

❖ پایمال

سرامال - پامال

❖ پائین

حار: دخترئ ده حار میا جومئ گنم
 واش / وه شماره گنمی خال ده دس و
 پاشه - دامون - داؤن

❖ پختن

پختن | پخت: پزس | پخته: پزسه

حرف (پ)

❖ پا افزار

پؤزار: وا مه ورئ ای شیر ته پوزارته
 ورکش / تا لپ به رگامون بزنه خین
 سیاوش - کاله : ار دیدی جنگی افتا و
 برارت وه منی کاله می گشت وه
 امئدش نمو

❖ پارجا

پارجا - کوئین - هیسایه - سرپا

❖ پابرهنه

پاپتی : ای فلک ده حق مه بی مروتی
 کرد / ونمه ده پیکل جا پامه پتی کرد

❖ پایبند

پابن - در قئد: هیچ درقئد حرفیا خوش
 نی

❖ پاتوق

واده - پاتوق - وهده جا: هر دوسی ده
 وهده جا گت و نیومه / ترک دوسیش
 نکنی حرومه ولله

❖ پاتیل

غزغو - غزگو - پاؤتیل : پاؤتیلی دارم
 کار باجلونه / ری آردئز دیدیه او هم
 چنونه

❖ پاچه

پیز - پاچک

❖ پاداش

مزگونه - بهر - مزد

وه بن بستن- او و دو داین- پروا داین

❶ پرهیز

یا داین- پرئیز - دیر گرهن - وه پر
نشسن

❶ پریشان

سر شیوسه- پریشو

❶ پژوهش

پرمنی - ترکشی - پی کشی : پی کشو
پی نکشیت ترم دئاره / خین خوم
رسام می که ار برف نواره

❶ پستان

پسو- ممه | پستانک: پتی مژ- مک
مکه - پسونک

❶ پستچی

نومه بر- نومه رسو - قاصد : قاصدئ
ره بکنیت تی دخترنم / بهد خوم شی
نکنن وه دشمنونم

❶ پسر

کر: چی شکار تیر حرده میلیم وه چرا
نی / هر کرئ عاشق نوه بنه ای خدا
نی | پسرچه: جقله- کر کچکله |
پسرخاله: حاله زا | پسر عمو : تاته زا:
تاته زا وا تاته زا میلش وه کاره / کافر
اولاترئ چکارشو داره؟ | پسر دائی: حالو
زا | پسر عمه: کچی زا | میمه زا

❶ پشت

دما: دختری وه ره میری سیلی وا دما
که / یه بوسئ ده چشیات خیر خدا که
| دوا، زوا : زوا افتاؤ نشین بنگ پسینه

❶ پشیز

تیکلونجاله - تیکله

❶ پلید

چرکو - پلشت

❶ پخش

تیج ویج | پخش شد: تیچس | پخش
کرد: تیچنی، تیچن

❶ پدر

باؤه | پدر بزرگ: پاپا، جد، پاپیرا | پدر
شوهر (و نیز پدر زن): حسیره: عروس
مگرئو ایچه ده اوچه بهتره/ ای حسیره
که ته داری ده شکر شیری تره

❶ پذیرش

ره داین-ثفت نوم

❶ پراکنده

تیج ویج

❶ پرداختن - پردازش

داین - پورسن | پرداخته: پورسه، وه
جا

❶ پرده

چیت: ایمره وه خاطرت بیمه وه مهمو /
کافری کردی که چیت کشیت ده
ریمو | پرده نشین: مین چیت جا

❶ پرستو

سئ پریسک

❶ پرسشگر

پرسا : یا دونبا یا پرسا

❶ پرنده

پرنه - بالنه: ار بویی وه بالنه می ارم وا
حارت | پرواز : فر گرهن: چی کموتر
ده قفس وا بال دوخته / میل فر
گرهنه ده درینم سوخته - بال گرهن

❶ پروانه

پرپروک - پاپریک

❶ پرو و پا قرص

سفت و سور

❶ پروردن

❖ پلیس

آزگار: سه سال آزگار که خین منه
شیشه کردی / درخت زندگی مه قط
به ضرب تیشه کردی

پاسوو

❖ پناه

لیز آوردن - پل آوردن: ده تنگی پل
اوردم وه پاساره غم / بی خور دیوار غم
گلپس ده گردم | پناهگاه: لیز - جا پنه
- اشگفت | در پناه: وه کم: تاؤسو ده
اوسو وزنه سواری / زمسو ده خرموه کم
بخاری

❖ پند

رهنمونی - رهنونی - پن

❖ پندار

گمو: یه زنه تیله زنی اهئی کشیه / وه
گمون خاطر م خیری نویده - خیالات

❖ پنهان

قایدم بیدن - گل کردن - پس کردن

❖ پوست

توک - پوس: خار بی گل پهن کنی
شو ده سر جاش / پوس خرگوش بکنی
وه کاله پاش - جلد

❖ پوسیدگی

پیتراکسن - پیتار بیدن

❖ پوشاک

پوشن

❖ پوشالی

پیک - پتی: پیری و دس پتی درد
کمی نئ / ار وه دؤلت برسی پیری غمی
نئ - بی خود

❖ پول

پیل - پیل و پر

❖ پیاده رفتن

پا پیا رهتن - پا پیاده - وا پا رهتن

❖ پیایی

❖ پیچ

پیت | پیچاپیچ: پیتاپیت: دس راس ده
گردنت چپ رهت وه قیقاچ / پیتاپیت
او چال تشنیت می کنم ماچ |
پیچیدگی: پیٹ پیٹی - قاطی واطی -
حلی حلی

❖ پیر مرد

ریش اسبی - پیا گهپه - کید خدا - ری
چرمی

❖ پیره زن

دایا - گیس اسبی: دایا گیس اسبی
فهم کرد ده کارم / تا شارشه نشیونم
دس ور ندارم | دالو: باؤس هر پیر
دروگو به منه مال خمون / اگوهی دالو
پیره که کنه شیر نکار

❖ پیش

تی: بز گری تیم نیا ریته بوینم / آز ده
دل نمنه و زه پایا زوینم - یا: چه خوه
بیمار بویی اما نمیری / دوستک بیا وه
یات گوناش بوینی

❖ پیشاهنگی

ده نها بیدن: دینارون تا وه شوشتر
اردیت وا باس بو / مهتمد هر جا بره ته
وانهاس بو - نها گلیه

❖ پیشباز

نها رهته

❖ پیش بینی

غیو گتن

❖ پیشدستی

نها کارونه



▪ پیشرفته

آخرخیر- ترقی کرده

▪ پیشوا

گپ-کیخا - کدخدا - کلانتر

▪ پیشین

نهایی- زیتری

▪ پیغام

سختی- سهدی: مه اویدم کده ره ری
 کردم وا پشت/ غم خوم کم سیم نوی
 سهدیت منه کشت - سفارشت- پیغوم

▪ پیکر

یار: ای دلی ار ده منی برس وه دردم /
 کوه بلغار تش نها ده یار سردم - جنازه
 - پوسالنگ

▪ پیمانہ

پیمونه - کیلی: باد شمال ور کرده زه
 جانب لیل / جوژ و میخک خرمه خرمه
 بکنی کیلی

▪ پی نوشت

یارک: وه یارکش بنویس که ده چه
 تاریخ نوشتیش

▪ پیوستن

یک گرهن- دیسنن وه یک- وه
 گلیگیر یک رهتن

▪ پیوند

قومی: ایما گیئیم ایما گیئیم قومی خو ای
 کنئیم / زه ای طافه زه او طافه دودره
 خو ای برئیم | فامئیلی

❶ تب

تؤ: شو اوما و تؤ اوما نالت سر دراورد /
دلکه پر حسرتم سیت پر دراورد

❶ تبادل

داین و گرہتن - مامله

❶ تبر

تور

❶ تباہ

ده بیئن رهتن - ده دس رهتن -
وروگشتن - بلا بیدین - یه یا رهتن

❶ تبسم

لیوخن - پیزخن - نیچه خنه: دشمنو
ده پشت حونت می گوارن / نیچه خنه
می زئن کار واته دارن - سهله خنه

❶ تبلیغ

بازار نما کردن

❶ تبعیت

دم رویی

❶ تجربه دار

دنیا دیده

❶ تجمع

دؤر یک بیدین | تجمع کردن: کنسن ،
کو بیدین

❶ تحریک

وه داؤ ونن - وه هوا ونن - وادار کردن -
دم ونن وه او - وادار وئن - وه هوا ونن

❶ تحمل

درئن - تهمل - طاقت: کوگ تاراز
بگوین چئینو ننالہ / مه دلم کم طاقتہ
نه چی هرسالہ

❶ تذکر

وه وئر اوردن

ترحیم

حرف (ت)

❶ تا

لیو: کاقزن لیو کرد نه مین جیوش

❶ تاب

پیٹ - تاؤه: ای دوسی ار عاقلی رو سیل
یافتہ / پیچ و تاؤ حرده وه یک چی
گیس یافتہ | هرازگو

❶ تابستان

تاؤسو: تاؤسو ده او سو وزنه سواری /
زمسو ده خرموه کم بخاری

❶ تاراج

چپاؤ : ولات دل زه غارت کردن ته /
دیار ظلم و بیداد و چپاؤ بی | غارت

❶ تارک

دس کشیده - دیر نشسه - وه پر
نشسه - دل کنه

❶ تاریک

شو زئن - نادیار - تاؤریک

❶ تازه

نو | تازه وارد: غریوه - ناشنا - نابلل

❶ تازیانه

شمرت - شلیاق

❶ تاسیس

ره وندن - درس کردن

❶ تاوان

تاوون | تقاص: برارونم خیلین سیصد
هزارن / سی تقاص خین مه سر ور می
ارن

پرس - پوگه - چمر	تغییر دادن: لرنیدن - دس زدن
تراشیدن	❶ تفاهم
تراشنییدن - تاشنییدن	وه یک ونن
تردید	❶ تقدیم
دلئ دلئ - شک - گمو	ری گشو: ریت وا یام که <u>ری گشونه</u>
ترکیب دادن	وت بدم - پیشکش
شیو داین - قاطی کردن	❶ تقسیم
ترکیدن	بهرئ بهرئ: شوگاره سه بهر کنم دو
پقسن - پکسن - ترکنن	بهرس نشینم / یه بهرس که خاؤسم
ترویج	خاؤ آشفته بینم
باؤ کردن - رسم نهادن	❶ تکان
تساوی	شک - تکو - جمجیلی - جم : خواست
چی یک بیدن	تا جم بخوره شیر خدا <u>جمنید</u> بهس /
تسلط	رونسه برق صفت وند به لم چی لک
حکم داشتن تحت تسلط: وه حکم:	دار
ظهاؤ خون نؤروزی مبو پریشون /	❶ تکذیب
دینارون وه <u>حکمته</u> درا وه میدون	درو بستن
تسکین	❶ تکمیل
پور نهادن - ارم گرهن - لیئز گرهن:	وه رمه رو - تموم - بی عئو
باغو مرغ دلم نها وه درخت / کش	❶ تلاطم
نکه تا لیئز بیره ته گوش بخت	دل ده هول
تشویق	❶ تلفن
چپ زئیدن - دئش داین	تلیفو
تصمیم	❶ تمام
قید بستن	تموم - خلاص - کل: روزگارم <u>کل</u>
تعارف	رهن و یه دم نویم شاد / عمرکم چی
مکیس - تارف	گرد خرمن می ورش باد
تعجیل	❶ تن
زی زی رهن - عجلین کردن	یار: ای دلئ ار ده منی برس وه دردم /
تعمیرگاه	آه گرمم تس نها ده <u>یار</u> سردم
نیکانیکی	پوسالنگ
❶ تغییر	❶ تمیز
تغییر کردن: لرسن - وروگشتن	تمیس

■ تند

زی زی - ازاکه - وه دؤ | تند تند: وه
گُران

■ تنزل

وه حار اوماين - افتاين

■ تنفس

انه - هناسه

■ تنها

تنها: دس بونم ده گردنت ده گردون جا
/ بوسه بازی بکنم وه تک و تنها| بئ
کس

■ توصيف

ده شون و رون گتن

■ تياتر

تیتالی

■ تهديد

سهمسئ کرده - زرتلاق کردن

■ تامين

دس بئ کرده - تيارک ديدن - تهيه
کردن

مهمترین منابع و مأخذ نمونه ها:

دیوان میرنوروز، تصحیح اسفندیار غضنفری امرایی
جنگ نامه بختیاری، سروده ملاقلعه سردی
دیوان داراب افسر،
کهننگ، سروده حسین حسن زاده رهدا
پیشینه تاریخی موسیقی لرستان - سید محمد سیف زاده
دویستی های داراب رئیسی